

یادداشت، به جای سرمقاله

کتابخانه که در فرهنگ گذشته ما خانه حکمت و معرفت خوانده می‌شد، علیرغم قدمت و قداستی که در فرهنگ ملی، اسلامی ما داشته و دارد، در سیر تاریخ متناسب با قدر و منزلت واقعی‌اش به کمال نرسیده و تاریخ فرهنگ ما هرگز به نقطه عطفی که نشان از رشد و شکوفائی کتابخانه باشد اشاره‌ای که ندارد هیچ، حتی اندک تلاشی در جهت حفظ آن قداست دیرینه را نیز نمی‌نمایاند.

بررسی محجوریت و متروک ماندن کتابخانه و بی‌قدر شدنش در نظر حاکمان گذشته که چشم دنیابینشان را جز خاک گور پر نمی‌توانست کرد، خود مقوله‌ایست که تفصیل آن در اینجا نه برخورداری از ضرورت است و نه در حوصله این یادداشت.

امروز وقت برای ما بسیار تنگ است، بسیار فرصت‌ها را از دست داده‌ایم که بر شماری همه آنها جز سوگ افزائی و به غم دیروز نشستن و از اندیشه امروز و فردا بازماندن نتیجه‌ای ندارد. امروز جهان در عرصه‌ای که ما سخن از آن می‌رانیم چنان پیش رفته که حتی گردی هم از خود به جای نگذاشته در چنین شرایطی از گذشته به مقدار ضرورت توشه گرفتن نیکوست اما در یاد کرد گذشته و تاریخ چنان غرق شدن که به مرز همرنگی با همان تاریخ رسیدن هرگز پسندیده نیست.

در تاریخ که می‌نگریم سرنوشت کتابخانه‌های عمومی نیز مثل سرنوشت صاحبان آنها که مردم هستند اسف بار و رقت انگیز است و گرنه چه بسیار کتابخانه‌های مجلل و نفیسی که زینت بخش کاخ‌های سلاطین و حکام بزرگان و شاهزادگان بودند بی‌آنکه کمترین بهره‌ای حتی به صاحبانشان برسانند چه رسد به اینکه خلأی را به کار آیند. اگر از محجوریت کتابخانه در تاریخ این مرز و بوم سخن می‌گوئیم از دلالتش یکی تحبیس کتاب توسط زراندوزان و کتاب را به چشم زر نگرستن از جانب دنیاپرستان بوده است حال آنکه قدر کتاب کجا و قیمت زر کجا؟ بگذریم اکنون سالی چند است که زمانه دیگرگون شده ایران و ایرانی مدعی انقلابی است که اساس آن بر فرهنگ استوار است.

فرهنگی که جوهره‌اش نه اندیشه آدمی که وحی الهی است. همان وحی و خطابی که با امر به خواندن آغاز شد و مجموعه آن بزرگترین اعجاز رسول (ع) «خواندنی» و بلکه «بسیار خواندنی» (قرآن) نام گرفت.

«قرآن» کتابی به دامنه و عمق هر آنچه در آفرینش توانی جست از تر و خشك و مهمترین توصیه‌اش رویکرد به علم و دانش. از همان رو بود که مسلمین هر جا که می‌رفتند و هر جا که بودند بیت‌الحکمه‌ها برپا می‌کردند و دارالحکمه‌ها تاسیس می‌کردند.

امروز ما هستیم و بار رسالت بزرگی که این ادعا بردوش ما گذاشته ادعای انقلاب اسلامی، ناگفته پیداست که مسئولیت ما بخشی از مجموعه رسالتی است که انقلاب بردوش مدعیانش گذاشته اما اگر بگوئیم این بخش از عمده‌ترین وظایف در راه تحقق اهداف و ارزش‌های مورد ادعای ماست به گرافه سخن نگفته‌ایم. مگر نه این است که اسلام طریق هدایت و سبیل رشد است، و بی علم و دانش چگونه رشد میسر است که علم و دانش مشعل پرفروغ این راه دراز است و کیست که نداند کتابخانه‌ها همیشه گنجینه علم و دانش بوده‌اند و آتشکده مشعل‌های پرفروغ هدایت. رسالت عظیم ما که امروز بسیار سنگین و فردا سنگین‌تر از امروز می‌شود دمیدن در این آتش مقدس و ساخت و ساز آتشکده‌های فراوان و فراوانتر است.

تقویت و توسعه همه جانبه و عمیق و جدی پایگاههای نشر علم و دانش، دانشگاهانی با درب‌های گشوده بر روی همه، کتابخانه‌ها، و بخصوص کتابخانه‌های همگانی، مردمی و عمومی جلوه عینی رسالت ماست. مسئولیت خطیری است که در این زمان شتاب را توأم با درایت می‌طلبید و همه اینها را در زمینه‌ای مبتنی بر باور غنای فکر و فرهنگ اصیل اسلامی.

که انکاء به آن و خوب بهره گرفتن از آن بسیاری از ناکامی‌های گذشته و برجای ماندن از کاروان علم و فرهنگ جهانی را نه تنها جبران می‌نماید که امید بازگشت به روزگاران طلانی گذشته و قافله سالاری کاروان را نیز در دل‌ها دوباره می‌شکوفاند.

«پیام کتابخانه» به عنوان روشی نو در بستر این رسالت با باغبانی و عنایت شماس است که به بار می‌نشیند.

ابراهیم انصاری لاری